



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

نشست پژوهشی؛

بررسی اهداف آمریکا

از برگزاری نشست بین‌افغانی دوحه



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب‌سایت خبرگزاری صدا و سیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: فرشته مقدم

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

- ۲ مقدمه
- ۲ طرح موضوع
- ۳ جنگ قرائت‌ها
- ۳ (۱) قرائت امارت خواهان
- ۳ (۲) قرائت جمهوری خواهان
- ۴ اهداف آمریکا از تسریع برگزاری نشست دوحه
- ۴ ❖ بهره برداری انتخاباتی
- ۴ ❖ تغییر استراتژی امریکا
- ۵ متغیرهای دخیل و اثرگذار در مذاکرات
- ۶ مباحث اصلی نشست بین الافغانی دوحه
- ۷ • الف) آتش بس
- ۷ • ب) حکومت آینده افغانستان
- ۷ • ج) حقوق زنان و اقلیت‌ها
- ۷ "توافق‌نامه پنهان" آمریکا و طالبان

□ مقدمه

فاز نخست نشست بین‌افغانی که در روز شنبه ۱۲ سپتامبر (۲۲ شهریور) در هتل «شرایتون» واقع در شهر دوحه پایتخت قطر آغاز شده بود، در حالی پایان یافت که ابهامات فراوانی را به همراه داشت. مباحثی چون؛ "پیشینه این مذاکرات"، "شروط طرفین و تحقق آنها"، "متغیرهای دخیل"، "اهداف آمریکا در تسریع برگزاری این نشست"، "توافق نامه پنهان آمریکا و طالبان" و ...

آقای "جاوید حسینی"، کارشناس موسسه مطالعات آسیای مرکزی و افغانستان، به طرح دیدگاه‌های خود در باره ابهامات و سؤالات مطروحه و همچنین آینده این نشست و سناریوهای پیش‌رو پرداخته است. وی که اولین نشست رو در روی هیئت‌های طالبان و دولت افغانستان را یکی از مهم‌ترین تحولاتی در حوزه افغانستان ارزیابی می‌کند، معتقد است؛ کاخ سفید از "برگزاری سمبلیک" این مذاکرات دو هدف را دنبال می‌کند. اولاً "بهره برداری انتخاباتی" و سپس "تغییر در راهبرد کلان خود در منطقه".

مبسوط این گفتگو و نشست به شرح زیر ارائه می‌شود.

□ طرح موضوع

افغانستان یکی از اثرگذارترین کشورهای منطقه در تحولات منطقه و تحولات نظام بین‌الملل است. لذا همواره موج تحولات افغانستان تا دور دست‌ها رفته و بازخوردهای آن به‌ویژه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، بیشتر مشاهده شده است. یکی از مهم‌ترین تحولاتی که در حوزه افغانستان رخ داد، بحث مذاکرات صلح افغانستان است. مقامات کاخ سفید بعد از حدود ۲ دهه نظامی‌گری آمریکا و متحدانش در افغانستان به این نتیجه رسیدند که جنگ افغانستان فرسایشی شده و امکان پیروزی هیچ یک از دو جناح وجود ندارد. به همین دلیل از دوران اوباما بارقه‌هایی از تمایل به مذاکره با طالبان دیده شد و در دوران ترامپ با وجود اینکه استراتژی جنوب آسیایی وی بر جنگ با طالبان و شکست این گروه از راه نظامی‌گری متمرکز می‌شد، اما بسیار سریع تغییر جهت داد و مذاکرات صلح در دستور کار قرار گرفت.

مذاکرات نخست بین طالبان و آمریکا رقم خورد و تقریباً ۱۸ ماه این مذاکرات به درازا کشید. در این مدت ۱۱ دور مذاکره بین دیپلمات‌های آمریکایی و مقامات طالبان صورت گرفت که نتیجه این مذاکرات ۱۸ ماهه و ۱۱ دوره، انعقاد قراردادی بین دو طرف در ماه فوریه ۲۰۲۰، موسوم بر "توافقنامه تامین صلح در افغانستان" شد. مورد بحث در اینجا یکی از بندهای همین "توافق نامه صلح" است.

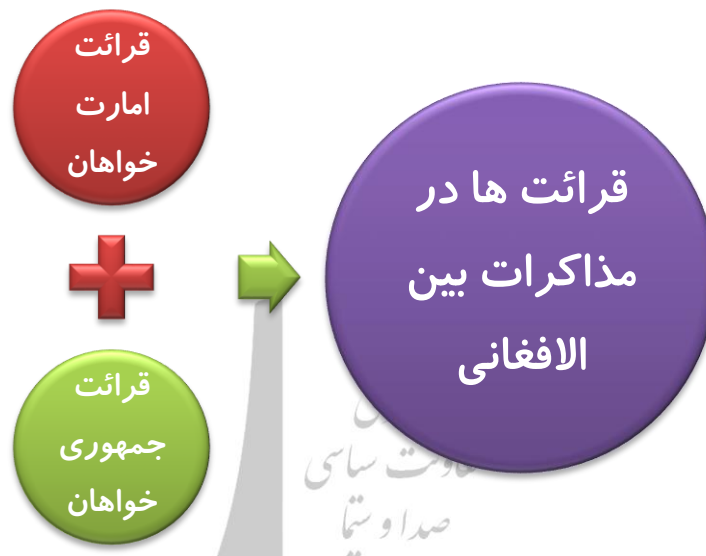
در این توافقنامه شروع مذاکرات "بین‌افغانی" و تأمین "آتش بس" در افغانستان قید شده است. یکی دیگر از بندهای این توافق، آزادسازی زندانیان دو طرف بود که بعد از جنجال‌هایی ۶ ماهه، این امر محقق شد. سرانجام مراسم افتتاحیه مذاکرات بین‌افغانی، روز ۱۲ سپتامبر در دوحه با حضور نمایندگان دو طرف^۱ برگزار شد. برای این مذاکرات، دولت قطر تشریفات بسیار گسترده‌ای را تدارک دیده بود. وزرای خارجه تقریباً ۱۴ کشور و نمایندگان آنها در این مذاکرات صحبت کردند، از آن جهت که این مذاکرات برای آمریکا بسیار حائز اهمیت بود، پمپئو وزیر خارجه این کشور ریاست این نشست را بر عهده داشت.

۲۱.۱ نفر از طالبان و ۲۱ نفر از دولت افغانستان

پیش بینی این است که مذاکرات بسیار سخت و سنگین خواهد بود. آمریکایی‌ها برای این مذاکرات چارچوب زمانی خاصی تعریف نکردند. اما از قرائن چنین بر می‌آید که انتظار دارند قبل از انتخابات سوم نوامبر (۱۳ آبان ۱۳۹۹) ریاست جمهوری آمریکا، این مذاکرات به ثمر برسد تا از آن به عنوان یک دستاورد برای ترامپ استفاده کنند.

□ تقابل قرائت‌ها

دو قرائت در مذاکرات بین‌افغانی وجود دارد که از چالش برانگیزترین مباحث مطرح در مذاکرات می‌باشد؛ قرائت "امارت‌خواهان" و قرائت "جمهوری‌خواهان"



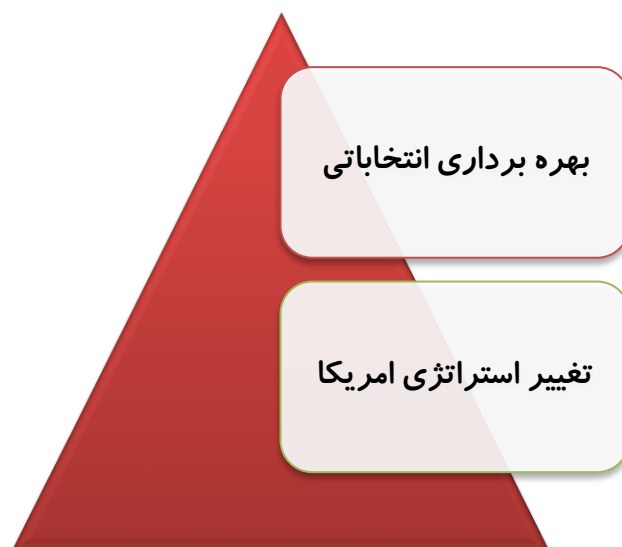
۱) قرائت امارت خواهان

قرائت طالبان بر امارت اصرار دارد. این قرائت ظاهر و باطنی دارد. ظاهر آن حفظ وجهه دینی گروه است که با این پوسته تاکنون به حیات خود ادامه داده است. اما باطن و پشت پرده دال بر این است تا حد ممکن اصول و چارچوب‌های حاکم بر نظام امارت اسلامی را به طرف مقابل بقبولاند.

۲) قرائت جمهوری خواهان

قرائت تیم دولت افغانستان بر جمهوریت تأکید دارد که این نیز پوسته ظاهری و باطنی دارد. در لایه ظاهری تأکید بر حفظ ارزش‌های به دست آمده در طول دو دهه گذشته است که با مذاق بخش زیادی از مردم افغانستان و کشورهای حامی دولت افغانستان اعم از منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سازگار است. لایه پنهان آن را می‌توان حفظ قدرت در تیم حاکم عنوان کرد. اما در مجموع قرائت جمهوریت مطرح شده از سوی تیم دولت افغانستان قرائت مطلوبی است و به نظر می‌رسد که بازگشت به قرائت امارت، هزینه زیادی را بر مردم افغانستان و منطقه تحمیل خواهد کرد.

بنابراین جدال قرائت‌ها در مذاکرات بین‌افغانی رخ خواهد داد و هر یک از دو طرف تلاش خواهد کرد تا بر اساس منافع گروهی و حزبی خود بر چارچوب‌ها و خطوط قرمز خود پا فشاری کند.



❖ بهره برداری انتخاباتی

کاخ سفید در بسیاری از عرصه‌ها از جمله "معامله قرن" و "پرونده کره شمالی" نتوانست به دستاوردهای مورد نظر برسد و طرح‌های ترامپ با بن بست مواجه شد. لذا تیم ترامپ با تسریع برگزاری نشست دوحه، در صدد است تا از ثمره این مذاکرات در انتخابات ریاست جمهوری بهره برداری کند و از آن به منزله یک برگ برنده در مقابل حریف خود استفاده کند. لازم به ذکر است که چشم انداز ترسیم شده از سوی آمریکایی‌ها برای به نتیجه رسیدن این مذاکرات تا ماه نوامبر، دور از انتظار و بعید به نظر می‌رسد. هر چند که آمریکا اهرم‌های فشاری بر هر دو جناح دارد تا حتی اگر شده به طور سمبلیک این مذاکرات را به نتیجه برساند.

❖ تغییر استراتژی امریکا

جدای از این "اقدام تاکتیکی" دولت آمریکا، می‌بایست، پرونده افغانستان را از منظر استراتژی کلان ایالات متحده هم بررسی کرد. یکی از راهبردهای کلان آمریکا، تغییر "استراتژی مبارزه با تروریسم" به "استراتژی مقابله با قدرت‌ها" است. آمریکا هزینه و زمان بسیار زیادی را در جنگ افغانستان که با شعار مبارزه با تروریسم آغاز شد، صرف کرده است. در دو دهه گذشته آمریکایی‌ها نزدیک به یک تریلیون دلار در افغانستان هزینه کرده‌اند. با اولویت یافتن آنچه که استراتژیست‌های آمریکایی آن را خطر چین و روسیه قلمداد می‌کنند، منابع آمریکا به این تهدید معطوف خواهد شد و بر این اساس، جنگ افغانستان که پیش از این هم از اولویت سیاست خارجی آمریکا خارج شده بود، رتبه پایین‌تری را کسب خواهد کرد. بر همین اساس دیده می‌شود که هر دو جناح سیاسی آمریکا اعم از دموکرات‌ها و جمهوری خواهان از جنگ افغانستان به عنوان "جنگ هزینه بر" و "جنگ بی پایان" یاد می‌کنند.

خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان جدی است، حتی اگر به صفر نرسد، اما به حداقل خواهد رسید. احتمالاً بخشی از نیروها برای مقابله با تروریسم و حفاظت از مراکز دیپلماتیک آمریکا در افغانستان حفظ خواهند شد، اما خروج بخش عمده نیروها قطعی است. چنانچه هم اکنون این نیروها به ۸۵۰۰ نفر رسیده است و طبق اعلام اخیر ترامپ به زودی به ۴۰۰۰ نفر هم خواهد رسید. بنابر این در تصویر کلان از سیاست‌های آمریکا، مذاکرات بین‌افغانی می‌تواند بخشی از این

تغییر استراتژی آمریکا باشد. از دید واشنگتن پرونده افغانستان باید به سمتی برود که هزینه‌های مادی و معنوی آمریکا به حداقل برسد. سطح درگیری نظامی آمریکا در افغانستان مدت زیادی هست که بسیار کاهش پیدا کرده و به نقش نظارتی و حداقل حمایتی تقلیل یافته است. همچنین حملات هوایی آمریکا که قوت نیروهای افغانستان بود، در ماه‌های اخیر و پس از توافق با طالبان بسیار به ندرت انجام می‌گیرد. درگیری نظامی تقریباً به صفر رسیده است و به تبع آن تلفات نظامی آمریکایی‌ها در یک سال اخیر به پایین‌ترین سطح در دو دهه گذشته رسیده است.

این نکته را هم باید تاکید داشت که بر اساس چارچوب‌های کلان سیاست بین‌الملل، انتظار بر این است که آمریکا در افغانستان از "فاز نظامی" به "فاز امنیتی" تغییر فرم خواهد داد.

□ متغیرهای دخیل و اثرگذار در مذاکرات



(۱) آمریکا

تلاش واشنگتن "به فرجام رساندن مذاکرات" است، حتی اگر در دوران ترامپ این نتایج حاصل نشود، بی شک جانشین وی این روند را دنبال خواهد کرد. همان‌طور که در سخنرانی جو بایدن و "کاملا هریس"^۱ هم مشهود است، هر دوی آنان بر خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان تاکید دارند، لذا سیاست آمریکا برای خلاص شدن از باتلاق افغانستان تاکنون قطعی است. لذا این متغیر، در تلاش برای به ثمر رسیدن مذاکرات بین‌افغانی است.

(۲) طالبان

طالبان دوران ترامپ را یک فرصت برای خود می‌دانند که در این دوره زمانی از طریق مذاکرات بین‌افغانی می‌توانند حداکثر دستاوردها را به دلیل اضطرار و عجله ترامپ، کسب کنند. لذا اثر متغیر طالبان بر مذاکرات بین‌افغانی مثبت است و تلاش دارد تا در کوتاه‌ترین زمان ممکن این مذاکرات را (در دوران ترامپ) به نتیجه برساند.

^۱ معاون پیشنهادی جو بایدن برای پست معاونت ریاست جمهوری از سوی دموکرات‌ها

(۳) پاکستان^۱

از زمان تاسیس طالبان تاکنون انگشت اتهام همواره به سوی پاکستان بوده است و این کشور حامی و تامین کننده طالبان قلمداد می شود. مقامات آمریکایی هم در هر دوره‌ای این اصل را پذیرفته و مبتنی بر آن پاکستان را تحت فشار قرار داده‌اند. دولت ترامپ هم بر اساس همین مشی عمل کرد و استراتژی جنوب آسیا و افغانستان دولت ترامپ بر تحت فشار قرار دادن پاکستان تاکید داشت. اما چرخش ناگهانی در سیاست دولت ترامپ نسبت به پاکستان رخ داد و نه تنها انتقاد و فشار علیه پاکستان کنار گذاشته شد بلکه در پرونده افغانستان، نقش محوری به اسلام آباد داده شد. روند مذاکرات صلح افغانستان به گونه‌ای به پیش می‌رود که هیچ بازیگری به اندازه پاکستان از آن منتفع نمی‌شود. لذا پاکستان هم اصرار زیادی دارد تا در دوران ترامپ این مذاکرات به اتمام برسد.

این سه بازیگر؛ پاکستان، طالبان و آمریکا تمامی تلاش خود را به کار خواهند برد که اولاً این مذاکرات در جهت منافع هر سه بازیگر به موفقیت برسد و ثانیاً اینکه با سرعت بیشتری این روند حرکت کند.

(۴) دولت افغانستان

بر خلاف سه بازیگر قبلی، دولت افغانستان هیچ علاقه‌ای به سرعت حرکت مذاکرات ندارد، زیرا دولت افغانستان از ابتدا در این مذاکرات هیچ جایگاهی نداشته و در حال حاضر هم نقش "پیرو" را دارد. این روند هم برای منافع کلان نظام افغانستان و هم برای منافع فردی اشرف غنی، رئیس جمهور افغانستان خوشایند نیست. برای مثال آزادی زندانیان طبق توافق انجام شده بین آمریکا و طالبان، باید ظرف مدت کوتاهی انجام می‌شد اما ۶ ماه به طول انجامید. دلیل هم این بود که دولت اشرف غنی از تمام ظرفیت خود و متحدان خود بهره برد تا این روند را به درازا بکشد. از این به بعد هم آقای غنی همین خط و مشی را دنبال خواهد کرد و در صدد است تا مذاکرات بین الافغانی را طولانی و فرسایشی کند و این ظرفیت را دارد.

(۵) دیگر مباحث اصلی نشست بین الافغانی دوحه



در نشست گروه تماس طالبان و گروه تماس دولت افغانستان هر چند مباحثی مطرح شده لیکن چارچوب مذاکرات به بیرون درز نکرده است. چه بسا یکی از نقاط اختلاف همین مسئله می‌تواند باشد. اما براساس گمانه زنی‌هایی که بین کارشناسان قطعی است می‌تواند در این چارچوب باشد.

^۱ گفتنی است در پشت پرده، پاکستان صحنه گردان طالبان است. به رغم استقلال عمل طالبان اما پاکستان می‌تواند مدیریت طالبان را در بسیاری از ابعاد بر عهده داشته باشد و تاکنون نیز در راستای منافع آمریکا، خوب ایفای نقش کرده است. سفر خلیل‌زاد پس از نشست دوحه به اسلام آباد را باید در همین راستا ارزیابی کرد.

• الف) آتش بس

یکی از مهم‌ترین موضوعات از جانب دولت افغانستان، آتش بس است. دولت افغانستان بسیار تلاش دارد آتش بس را در صدر مذاکرات قرار دهد تا بتواند از این طریق در درون جامعه افغانستان امتیاز کسب کند. اما طالبان خیلی بر این موضوع تمایل ندارد. گرچه در مواضع اعلانی خود آن را اعلام می‌کند، اما جنگ ایزاری است که طالبان همواره از آن سود برده و در مذاکرات بین‌افغانی نیز بهره خواهد برد.

طالبان تا حد امکان از آتش بس طفره خواهد رفت اما به دلیل فشاری که از جانب تیم مذاکره‌کننده افغانی و از جانب جامعه جهانی بر این گروه وارد خواهد شد، ناچاراً به آن ورود خواهد کرد.

• ب) حکومت آینده افغانستان

موضوع مهم مطرح دیگر در این مذاکرات بحث درباره نظام آینده افغانستان است. همان‌طور که تبیین شد، "جدال بین دو قرائت" است؛ "قرائت جمهوری خواهان" و "قرائت امارت خواهان" برای حکومت آتی افغانستان و با توجه به "وزنه حامیان دو طرف"، بعید به نظر می‌رسد که یکی بر دیگری غلبه کند. نه طالبان این توان را دارند که به تنهایی "امارات" را بازگرداند و نه حامیان آنها خواهان آن هستند. چرا که این امر بسیار "هزینه بر" می‌باشد.

از طرفی جمهوری هم این ظرفیت را ندارد که طالبان را تحت چتر و سیطره خود درآورد. بنابراین باید شاهد یک "نظام بینابین" بود. در تعیین نوع نظام آینده افغانستان تاثیر بازیگران دیگر هم حائز اهمیت است و در فرآیند مذاکرات قطعاً از اهرم خود استفاده خواهند کرد تا نظام مطلوب خود را بر آینده افغانستان حاکم کنند. اما فرآیند این مذاکرات و فشارها به احتمال قوی یک "نظام بینابین" خواهد بود. نظامی که در آن لایه‌هایی از "امارات" و پوسته‌ها و لایه‌هایی از "جمهوری" نقش داشته باشند. اینکه کدام یک برتری خواهند داشت در آینده مشخص خواهد شد.

• ج) حقوق زنان و اقلیت‌ها

از دیگر مباحث مطرح شده در مذاکرات بین‌افغانی حقوق به‌ویژه، "حقوق اقلیت‌ها" و "حقوق زنان" است. این دو موضوع، مخصوصاً حقوق زنان با توجه به قرائت طالبان بسیار جنجالی است. آیا حقوق کنونی زنان برای طالبان قابل پذیرش است؟! تا کنون طالبان از ورود به این بحث طفره رفته است. لیکن به نظر می‌رسد که این گروه از چارچوب اولیه خود که در سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ داشتند، عدول کنند.

□ "توافق‌نامه پنهان" آمریکا و طالبان

در فوریه ۲۰۲۰ زمانی که توافق‌نامه بین طالبان و آمریکا امضاء شد، یک نسخه‌ای از آن به زبان‌های پشتو، دری و انگلیسی منتشر شد. اما بعدها بنا به گفته مقامات آمریکایی، توافق‌نامه دیگری هم بین آنها امضاء شده بود که هیچ‌یک از دو طرف حاضر نشدند، درباره جزئیات آن اطلاعاتی را اعلام کنند. فقط به طور کلی آمریکایی‌ها اذعان داشتند که به دلایل امنیتی توافق‌نامه دوم را نمی‌توان منتشر کرد.

بر این اساس توافق‌نامه دوم، اطلاعاتی درباره پایگاه‌های آمریکا، میزان نیروها، جدول خروج آنها از افغانستان و ... است. لذا ادعا می‌کنند نمی‌توان آن را در اختیار عموم قرار داد. طالبان منکر این توافق‌نامه نیست اما حاضر هم نیست که اطلاعاتی درباره آن به رسانه‌ها ارائه کنند.

آمریکا طرح‌های کلانی برای منطقه‌ای از جنوب آسیا تا آسیای مرکزی دارد. افغانستان در مرکز این چتر بزرگ، نقش مهمی خواهد داشت. بنابر این هم سوئی و عدم هم سوئی نظام و حکومتی که در آینده بر افغانستان حاکم خواهد شد،

برای آمریکا بسیار مهم است. در جنگ سرد شاهد تلاش هر دو قطب برای یارگیری کشورها بودیم. از این رو و با توجه به چند قطبی شدن نظام بین‌الملل در آینده، آمریکا در تلاش است تا در نقاط مختلف دنیا برای خود اقماری کسب کند. هر چند آمریکا از سیاست‌های اولیه خود در افغانستان عقب نشینی می‌کند اما به دلایل مختلفی افغانستان را در زمره اقمار خود حفظ خواهد کرد.

واشنگتن در همان "چارچوب کلانی" که مطرح شد، این نگاه را به افغانستان دارد و سرمایه‌گذاری‌هایی که در منطقه از جنوب آسیا تا آسیای مرکزی با محوریت افغانستان انجام خواهد داد، به برخی ملاحظات از جمله به نوع نظام آینده افغانستان چشم دارد که با ایالات متحده، همسو باشد.

بخش آشکار توافق‌نامه تأکید دارد که طالبان متعهد شده است که از خاک این کشور هیچ گونه تهدیدی علیه آمریکا و منافع آمریکا و متحدین آمریکا صورت نخواهد گرفت.

"توافق‌نامه پنهان" احتمالاً وارد این جزئیات می‌شود. توافق‌نامه آشکار ۴ صفحه بیشتر نیست. این مباحث کلان نیاز به جزئیات دارد و بخش دوم توافق‌نامه، جزئیاتی را مطرح کرده است که بتواند نظام آینده افغانستان و نقش ایالات متحده در افغانستان را به گونه مطلوب واشنگتن ترسیم کند.

لذا هرچند متن اصلی توافق‌نامه پنهان، علنی نشده است اما شمای کلی آن را می‌توان در طرح صلحی که "موسسه آمریکایی رند" برای افغانستان نوشته است، مشاهده کرد.

گرچه گفته می‌شود این طرح ۵۰ صفحه‌ای موسسه رند، طرح پیشنهادی است، لیکن بنده معتقدم که این نقشه راهی برای صلح افغانستان است و تمام مراحل طی شده طبق همین طرح است. خلیل‌زاد خود نیز عضو موسسه رند است. این طرح را بسیار با جزئیات تهیه کردند. توافق‌نامه پنهان بخش‌هایی از همین طرح است که البته به صلح دو طرف آمریکایی و طالبان نیست که علنی شود.

اینکه این توافق‌نامه چه اثری دارد؟ قطعاً اثر منفی خواهد داشت. دولت افغانستان حاضر نیست به طور تمام و کمال با روند خلیل‌زاد همراهی کند. چرا که مقامات افغانستان ملاحظه دارند که آمریکایی‌ها با طالبان چه بسته‌اند که حاکمیت افغانستان از آن بی‌اطلاع است!

همین بدبینی‌ها سبب شد که آقای "حمد... محب"، مشاور امنیت ملی اشرف غنی در یکی از موسسه‌ها و اندیشکده‌های آمریکایی در افغانستان علیه خلیل‌زاد و سیاست‌های وی صحبت کرد که منجر به بایکوت وی شد. و تا چندین ماه مقامات آمریکایی در افغانستان حاضر به ملاقات با "حمدالله محب" نبودند و حتی در جلسه‌ای که وی حضور داشت، حاضر نمی‌شدند. این ملاحظات دولت افغانستان اثر منفی خود را بر روند مذاکرات تاکنون گذاشته است و بعد از این هم قطعاً خواهد گذاشت.